

نگه کن بر احوال زندانیان  
که ممکن بود بی گناه در میان  
سعدی (علیه الرحمه)

## جبران خسارت ناشی از بازداشت متهم بی گناه

### ۱- کلیات

تجربه نشان داده که تعداد زیادی از متهمین که در مرحله تحقیقات مقدماتی و یا حتی در مرحله دادرسی بازداشت گردیده اند بعداً بی گناه شناخته شده اند.

در اینجا سؤال این است که آیا چنین متهمینی باید این رنج، و زیان مادی و معنوی، هتک حیثیت ناشی از آن را که بی مورد به آنان تحمیل گردیده، بدون جبران تحمل کنند، و جامعه به عنوان اینکه این امر در رهگذر حفظ نظم عمومی و مصالح جامعه بوده، در قبال آنان بی تفاوت بماند؟

و یا اگر جامعه، برای دفاع از منابع و مصالح خود قیام و اقدام می کند. و به خود حق می دهد فی المثل متهم را بازداشت، و یا محکوم را حبس کند، وقتی که آن متهم تبرئه و یا محکومیت این محبوس ناحق تشخیص داده شد، باید مصالح و منافع چنین انسانی را نیز به عنوان عضوی از اعضاء خود که بروی ستم رفته است، ملحوظ نظر قرار دهد، و به طریقی درصدد جبران برآید؟

برکسی پوشیده نیست که بازداشت و حبس افراد نه تنها موجب زیان مالی فرد در بند و خانواده تحت تکفل و سرپرستی او نیز می‌شود، بلکه موجب تألمات روحی و صدمات معنوی و حیثیتی بسیار نسبت به افراد خانواده‌اش هم می‌گردد.

وقتی که این بازداشت و حبس من غیر حق باشد این تألمات و جراحات عاطفی به مراتب بیشتر خواهد بود.

از همین جا است که صحبت از جبران خسارت چنین افرادی نه فقط امروز که از گذشته مطرح بوده است.

در مورد جبران خسارت ناشی از بازداشت و حبس غیر قانونی، تقریباً می‌توان گفت اشکال چندانی وجود ندارد، و این امر، پذیرفته شده است، کما اینکه گزارشگر نهمین کنگره بین‌المللی حقوق تطبیقی در این باره، در گزارش خود آورده است:

«تقریباً در تمام کشورها راه حل مناسبی در نظر گرفته شده و در عمل با هیچ مشکلی اصولی، وقتی که پای خطای مأمور دولت و یا قاضی در میان باشد در خصوص جبران خسارت زیان دیده مواجه نیستیم.»<sup>(۱)</sup>

امروزه بسیاری از کشورها، جبران خسارت افرادی را که در بازداشت یا حبس بوده، و بعداً بی‌گناه شناخته شده، و برائت حاصل کرده‌اند، پذیرفته‌اند.<sup>(۲)</sup> در مورد متهمینی هم که با صدور قرار منع تعقیب، بعد از مدتی بازداشت مرخص می‌گردند، بعضی جبران خسارت را به‌صرف صدور قرار منع تعقیب پذیرا شده‌اند، و پاره‌ای نیز جبران خسارت را در این قبیل موارد، منوط به تأیید بی‌گناهی آنها دانسته‌اند.

توضیح اینکه چه متهمینی که واقعاً بی‌گناه هستند، و چه آنهایی که به‌علت پیچیدگی واقعه مجرمانه، و یا فقد دلیل، قرار منع تعقیب در باره‌شان صادر گردیده، به‌هرحال هر دو مرخص و آزاد می‌گردند، و از این لحاظ، نتیجه برای هر دو آنها یکی است.

۱ - نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، شماره سوم، ص ۷، مقاله دکتر محمد آشوری.

۲ - نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۱۳، مقاله دکتر محمد آشوری.

اما جامعه آنها را یکسان و به یک چشم نمی بیند، بلکه نسبت به متهم واقعاً بی گناه، و متهم واقعاً گناهکاری که گنااهش به اثبات نرسیده ذهنیت و دیدی متفاوت دارد، و لذا متهم واقعاً بی گناه، مستحق جبران خسارت شناخته شده، ولی متهمی که گناهکار هست، اما، گنااهش اثبات نشده، شایسته چنین امتیازی نمی باشد.

به هر حال همانگونه که گفتیم در مورد جبران خسارت ناشی از بازداشت و حبس غیر قانونی، مشکل اصولی وجود ندارد، و بسیاری از کشورها این جبران را پذیرفته اند.

اما مشکل، در مورد جبران خسارت ناشی از بازداشت یا حبسی است که کاملاً طبق قانون، و با رعایت تشریفات و ترتیبات قانونی، صورت گرفته، لیکن متهم تبرئه شده است.

این امر نیز، در حال حاضر مورد بررسی دست اندرکاران علوم جزائی است که در صدد یافتن توجیهی منطقی برای جبران خسارت چنین باز داشتی هائی می باشند.

وفی الجملة حق متهم به جبران خسارت، و نیز اصل انصاف مبنای لزوم این جبران قلمداد گردیده، و ضمناً گفته شده:

«... اصل تساوی شهروندان در مقابل تکالیف عمومی ایجاب

می کند خسارتی که بر اثر تصمیم قدرت عمومی استثنائاً بر

یکی از افراد وارد گردیده جبران شود.»<sup>(۱)</sup>

این نظریه در بعضی کشورها پذیرفته شده که از آن جمله می توان: فرانسه، آلمان و لوکزامبورک، را نام برد.

در فرانسه، وقتی ادعای جبران خسارت ناشی از این قبیل بازداشت‌های قانونی از متهم شنیده می شود که:

« اولاً تعقیب کیفری به منع تعقیب و یا برائت قطعی اومنتهی

شده باشد و ثانیاً نه تنها ایجاد ضرر کرده باشد بلکه این ضرر

ظاهراً غیر عادی و از اهمیت خاصی برخوردار باشد...»<sup>(۲)</sup>

۱ - نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، شماره سوم، ص ۹، مقاله دکتر محمد آشوری.

۲ - مجله کانون وکلاء، شماره ۱۴۹ و ۱۴۸، صفحات ۱۲۹ و ۱۲۸، مقاله دکتر منوچهر خزائی.

## ۲- جبران خسارت ناشی از بازداشت متهم بی گناه در حقوق ایران

تا قبل از تصویب قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۰/۵/۸)، در حقوق ایران ظاهراً در هیچ کدام از مواد قانونی، جبران خسارت ناشی از بازداشت و حبس قانونی، و یا حتی غیر قانونی منتهی به براءت، یا منع تعقیب متهم، پیش بینی نگردیده بود. اگرچه طی مواد قانونی مختلفی برای متهم حق اعتراض به صدور قرار بازداشت و نیز کیفر و مجازات قضات و مأمورینی که به نحوی از مقررات مربوط به بازداشت تخلف می کنند پیش بینی شده است...

جز آنکه طی تبصره ۴ ذیل بند خ ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و داروئی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۳۴/۳/۲۹ مقرر شده:

« هر یک از مأمورین دولتی یا شهرداری و یا کسانی که بر حسب وظیفه متصدی مراقبت در امور داروئی هستند... در صورتی که ثابت شود... گزارش به قصد اضرار بدهند که منتهی به بازداشت اشخاص شود در صورت براءت متهم و اثبات قصد اضرار علاوه بر جبران خسارت وارده به مدعی خصوصی به مجازات... محکوم خواهد شد.»

و حال آنکه باید توجه داشت: این درست است که قانونگذار طبق مواد ۱۳۸ و ۱۷۱ و ۱۷۲، و بند ۲ تبصره ذیل ۳۴۳ قانون آئین دادرسی کیفری، و پاره ای مواد قانونی دیگر<sup>(۱)</sup> برای متهم حق اعتراض نسبت به بازداشت خود قائل شده، و به چنین شکایتی نیز خارج از نوبت رسیدگی می شود.

این هم درست است که براساس ماده ۱۲۴ و تبصره ذیل ماده ۱۳۰ همان قانون، و ماده ۵۳ (تعزیرات)، قضات یا مقامات ذیصلاح دیگری که به نحوی در بازداشت افراد مرتکب تخلف و قصور می شوند، مستوجب تعقیب و کیفر شناخته شده اند. لیکن همانطور که گفته شد هیچکدام از این مواد قانونی، مبین اعاده حیثیت، و حق جبران خسارت متهم نمی باشند، و حال آنکه گفتیم، متهم و خانواده او، از این بازداشت، زیان مادی و معنوی بسیار می بینند. لذا انصاف و منطق، ایجاب می کرد به نحوی از چنین متهمینی اعاده حیثیت و نیز جبران خسارت شود.

۱- برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به: سلب آزادی تن - بازداشت و حبس در حقوق ایران ردیف ۶۷ - تألیف هوشنگ ناصرزاده.

خاصه اینکه در اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر شده :

« هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت بوسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.»

همانگونه که از ظاهر مفاد اصل مذکور برمی‌آید، مؤسس قانون اساسی در این اصل، هم فرضیه تقصیر و هم «فرضیه خطر» هر دو را مدنظر قرار داده، و لذا در مورد تقصیر قاضی خود او را ضامن شناخته، و در غیر مورد تقصیر قاضی، جبران خسارت را برعهده دولت گذاشته، و در هر حال، امر به اعاده حیثیت متهم نموده است.

بنابراین، براساس قاعده «لاضرر»، و قاعده «ضمان»، و نیز بموجب اصل قانونی مذکور، و هم چنین با عنایت به «حق جبران خسارت متهم»، و با توجه به «اصل انصاف»، به نظر می‌رسد متهم و محبوسی که به ناحق، و بی گناه بازداشت یا زندانی شده‌اند حق داشته باشند برای جبران خسارت خود، برحسب مورد به قاضی و یا به دولت مراجعه کنند، و قاضی، و یا دولت هم به جبران خسارت بپردازند.

در مورد «قضات» مندرج در اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی با توجه به جمله «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص...»، که در اصل قانونی مذکور آمده بعضاً منظور قانونگذار را فقط شامل قضات محاکم می‌دانند، و نه قضات دادسرا. (۱)

و حال آنکه با توجه به نیت قانونگذار که حفظ حقوق افراد و حمایت از آن بوده، و هم چنین با توجه به مواد قانونی دیگری که بدانها اشاره شد و در آنها دادستان، دادپار، بازپرس، و حتی مقامات ذیصلاح دیگر هم در صورت تخلف از

مقررات مربوط به بازداشت مسئول و مستوجب تعقیب و کیفر شناخته شده‌اند<sup>(۱)</sup> و نیز با تفسیر منطقی اصل مذکور، و با عنایت به اینکه «تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع...» نیز بکار برده شده، که این چنین اشتباه «در موضوع»، از طریق قضاات دادسرا هم ممکن می‌باشد.

و اینکه دلیلی ندارد قانونگذار (آنهم مؤسس قانون اساسی)، قائل به تبعیض باشد، و بین متهمی که قضاات دادسرا به ناحق بازداشتش می‌کنند، و متهمی که بوسیله دادگاه بازداشت می‌گردد، تفاوت قائل گردد و دلیلی هم برای قائل شدن چنین تبعیضی وجود ندارد، و خاصه اینکه تعداد موارد و مصادیق اعمال اینگونه بازداشت‌ها از طریق دادسرا، و در مرحله تحقیقات مقدماتی به مراتب بیشتر از تعداد آنها در مرحله دادرسی و از طریق محاکم می‌باشد. و قاعدتاً حفظ حقوق تعداد بیشتری از افراد جامعه، منظور نظر قانونگذار است، لذا به نظر این حقیر، و با توجه به آنچه که گفته شد اصل مذکور شامل قضاات دادسرا و قضاات دادگاه هر دو می‌باشد.

به هر حال، با توجه به اهمیت موضوع، شایسته بود که قانونگذار به صراحت و طی ماده قانونی، و با اتکاء، به اصل ۱۷۱ جبران خسارت از بازداشتی و محبوس را که بی‌گناهی‌شان به اثبات رسیده است، پیش‌بینی و مقرر می‌نمود....

## ۲- فی الجمله ماده ۵۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مقرر نموده:

«هرگاه دادستانها یا دادیارها یا بازپرس‌ها یا قضاات محاکم یا دیگر مأمورین ذیصلاح در غیر مواردی که قانون مقرر داشته است امر به توقیف کسی را بدهند یا در غیر موارد معینه قانونی تعقیب جزائی یا قرار مجرمیت او را بدهند به انفسال دائم از شغل و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.»

و همچنین ماده ۷۱ قانون اخیرالذکر، در همین خصوص مقرر کرده:

«هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا قوای سه‌گانه یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که قانون جلب و توقیف اشخاص را تجویز نموده شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به شش‌ماه تا سه سال حبس و محرومیت از خدمات دولتی محکوم می‌شود....»

ملاحظه می‌شود، در این مواد قانونی، قضاات، اعم از قضاات دادسرا و قضاات دادگاه مورد توجه قانونگذار بوده، و نه فقط قضاات محاکم.

این، نه تنها از لحاظ جبران زیان بازداشتی‌ها و محبوسین مذکور مثبت و حائز اهمیت است، بلکه قانونگذاری مبنی بر عدل و انصاف نیز می‌باشد، و اضافه بر این، خود، در کاهش موارد بازداشت و حبس غیر قانونی، و یا بازداشت و حبس مبتنی بر دقت کم<sup>(۱)</sup> نقش بسیار مؤثری ایفاء خواهد کرد.

خوشبختانه این مهم، مورد توجه قانونگذار قرار گرفت و در تغییرات و اصلاحاتی که در سال ۱۳۷۰، در قانون مجازات اسلامی، به عمل آمده مقنن طی ماده ۵۸ قانون مذکور، همان حکم اصل یکصد و هفتاد و یکم قانون اساسی را با اندک تفاوتی تکرار و با اتکاء به اصل قانونی مزبور مقرر نمود:

«هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود.»

هم اکنون با توجه به مفاد مواد قانونی که قبلاً بدانها اشاره شد (از جمله مواد ۵۳ و ۷۱ تعزیرات، و ۱۲۴ و تبصره ذیل ماده ۱۳۹ قانون آئین دادرسی کیفری...)، و با امعان نظر به ماده ۵۸ معنونه، شاید بتوان گفت مسئولیت و تعقیب کیفری قضات (اعم از قضات دادسرا و قضات محاکم)، و سایر مقامات و مأمورین در ارتکاب بازداشت و حبس غیر قانونی، و همچنین در بازداشت و حبس ظاهراً قانونی، ولی مبتنی بر اشتباه و تقصیر قاضی و نیز مسئولیت مدنی، و لزوم جبران ضرر زیان مادی، و جبران زیان معنوی، و هم اعاده حیثیت بازداشتی و محبوس بی‌گناه، مدنظر قانونگذار قرار گرفته است.

ولی شاید بهتر باشد که :

۱ - «لزوم دقت بیشتر در صدور قرار بازداشت موقت و محدود کردن موارد آن در هشتمین کنگره بین‌المللی حقوق تطبیقی (پکارا ۱۹۷۰)، مورد مطالعه قرار گرفت و تضمین گردید.» ص ۳۰، نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی، شماره سوم.

اولاً - مقرر شود زیان دیده، چه در مورد تقصیر و چه در مورد عدم تقصیر قاضی به دولت مراجعه کرده جبران خسارتش را بخواهد و دولت پس از جبران خسارت وی در مورد تقصیر قاضی به قاضی مراجعه نماید.

ثانیاً - از طریق آئین نامه اجرائی، نحوه جبران زیان، و محل اعتبار (در مورد جبران ضرر مادی) و چگونگی اعاده حیثیت، و همچنین سایر مواردی که ضروری می نماید، دقیقاً مشخص و تعیین و تبیین و تبلیغ گردد.

اگر اشتباهی دارم، اندرزم دهید و ارشادم فرمائید.